

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. مقدمات؛ علم؛ موانع کسب علم؛ خرافات
۲. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ نشانه‌های ظهور مهدی و فتنه‌های آخر الزمان

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: ثاقب عنایت

تاریخ: ۱۴۰۱/۷/۲۸

شخصی در پاکستان هست که از کودکی خواب‌های الهی می‌بیند. او صدها بار پیامبر را در رؤیاهایش دیده و صدای خدا را شنیده است. او ادعا نمی‌کند که فرد خاصی باشد، فقط رؤیاهایش را به امر خدا و پیامبر منتشر می‌کند. او پیشگویی‌های زیادی کرده و از حوادث زیادی در آینده خبر داده است و طرفدارانی هم در پاکستان دارد. نظر شما درباره‌ی این شخص چیست؟

پاسخ

تاریخ: ۱۴۰۱/۸/۱۰

لطفاً به نکات زیر توجه کنید:

۱. خواب غیر معصوم، حجت نیست، مگر اینکه معصومی آن را تصدیق و تعبیر کند؛ مانند خواب فرعون که یوسف علیه السلام آن را تصدیق و تعبیر کرد؛ زیرا غیر معصوم، حتی در بیداری که عقل و حواسش را در اختیار دارد، ممکن است دچار اشتباه شود و تحت تأثیر وهم یا تلقین یا وسوسه قرار گیرد، چه رسد به هنگامی که در خواب است! بنابراین، هیچ غیر معصومی نباید به خوابی که دیده است اعتماد کند؛ چراکه ممکن است خواب او درست نبوده باشد، یا تعبیری داشته باشد که بر او پوشیده است؛ خصوصاً هرگاه خواب او به یکی از عقاید یا اعمال دینی مربوط شود؛ چراکه عقاید یا اعمال دینی، از طریق خواب شناخته نمی‌شوند، بل از طریق قرآن و سنت شناخته می‌شوند که در بیداری قابل مراجعه و بررسی است؛ چنانکه در روایتی از اهل بیت آمده است: «إِنَّ دِينَ اللَّهِ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يَرَى فِي النَّوْمِ»؛ «دین خداوند استوارتر از آن است که در خواب دیده شود».

۲. وقتی غیر معصوم نباید به خوابی که خود دیده است اعتماد کند، به طریق اولی نباید

۱. الکافی للکلینی، ج ۳، ص ۴۸۲؛ علل الشرائع لابن بابویه، ج ۲، ص ۳۱۲

به خوابی که خود ندیده، بلکه غیر معصوم دیگری از دیدن آن خبر داده است، اعتماد کند؛ زیرا صرف نظر از اینکه ممکن است خواب او درست نبوده باشد، ممکن است اصلاً چنین خوابی ندیده باشد و این مصداق تاریکی بر روی تاریکی است: «ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ»؛ چنانکه روایات فراوانی در نکوهش کسی رسیده است که به دروغ ادّعی دیدن خوابی می‌کند؛ مانند روایتی از پیامبر که در آن آمده است: «إِنَّ مِنْ أَفْرَى الْفَرَى أَنْ يَرِيَ عَيْنَيْهِ فِي الْمَنَامِ مَا لَمْ تَرَيَا»؛^۲ «از بزرگ‌ترین افتراها این است که کسی به چشمانش خوابی را نسبت دهد که ندیده‌اند» و روایتی که در آن آمده است: «مَنْ تَحَلَّمَ بِحُلْمٍ لَمْ يَرَهُ أَمْرٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ يَعْقِدَ بَيْنَ شَعِيرَتَيْنِ، وَلَنْ يَعْقِدَ بَيْنَهُمَا»؛^۳ «هر کس ادّعی دیدن خوابی کند که ندیده است، در روز قیامت مکلف می‌شود که دو دانه‌ی جو را به هم گره بزند و هرگز آن دورا به هم گره نتواند زد»!

۳. از پیامبر روایت شده است که فرمود: «مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَأَى، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتِمَثَّلُ فِي صُورَتِي»؛^۴ «هر کس من را در خواب ببیند، من را دیده است؛ چراکه شیطان به چهره‌ی من متمثل نمی‌شود»، ولی این روایت برای کسی کارآیی دارد که چهره‌ی پیامبر را می‌شناسد، نه کسی که نمی‌داند چهره‌ی او چگونه بوده است. به عبارت دیگر، این روایت تنها برای صحابه وارد شده است، نه برای کسانی که پس از آنان آمدند؛ زیرا کسانی که پس از آنان آمدند، نمی‌توانند تشخیص دهند که آیا چهره‌ی پیامبر را در خواب دیده‌اند، یا چهره‌ی کسی دیگر. حتی اگر کسی که در خواب دیده‌اند خود را پیامبر معرفی کند، معلوم نیست که به راستی پیامبر باشد؛ زیرا در روایت نیامده است که شیطان نمی‌تواند خود را پیامبر معرفی کند، بل آمده است که نمی‌تواند به چهره‌ی او متمثل شود. بنابراین، ممکن است کسی که در خواب خود را پیامبر معرفی کرده است، شیطان بوده باشد؛ خصوصاً با توجه به اینکه چنین کاری در بیداری نیز ممکن است؛ به این معنا که ممکن است کذباً در بیداری خود را پیامبر معرفی کند؛ مانند برخی دجالان قائل به حلول یا تناسخ که خود را پیامبر یا مسیح یا شخصی دیگر از صالحان گذشته معرفی کرده‌اند و با این وصف، چنین کاری در خواب، که جولان‌گاه شیاطین است و دست کم برای آن‌ها محدودیت‌های بیداری را ندارد، به طریق اولی ممکن خواهد بود.

۱. التّور / ۴۰

۲. مسند الشافعی، ص ۲۳۹؛ مسند أحمد، ج ۹، ص ۵۲۲؛ صحیح البخاری، ج ۹، ص ۴۳؛ الأحاد والمثنائی لابن أبي عاصم، ج ۴، ص ۲۸۳؛ مسند البزار، ج ۱۲، ص ۲۹۵؛ مساوئ الأخلاق للخرائطي، ص ۵۲؛ صحیح ابن حبان، ج ۳، ص ۴۹۲
۳. حدیث مجاعة بن الزبير، ص ۵۹؛ مسند الحميدي، ج ۱، ص ۴۵۹؛ مسند أحمد، ج ۵، ص ۳۷۳؛ صحیح البخاری، ج ۹، ص ۴۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۲۸۹؛ سنن أبي داود، ج ۴، ص ۳۰۶؛ سنن الترمذي، ج ۴، ص ۱۲۴؛ صحیح ابن حبان، ج ۳، ص ۵۰۸
۴. مسند أبي داود الطيالسي، ج ۴، ص ۱۷۰؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۶، ص ۱۷۴؛ مسند أحمد، ج ۶، ص ۳۴۷؛ صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۲۸۴؛ الكنى والأسماء للدولابي، ج ۱، ص ۳۰۹؛ مستخرج أبي عوانة، ج ۱۷، ص ۶۵۳؛ المدخل إلى السنن الكبرى للبيهقي، ج ۱، ص ۳۱۲

۴. ادعای دریافت پیامی از جانب خداوند برای ابلاغ به مردم، به معنای ادعای نبوت است؛ چراکه نبوت معنایی جز دریافت پیامی از جانب خداوند برای ابلاغ به مردم ندارد؛ چنانکه فرموده است: «مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ»؛ «بر عهده‌ی پیامبر کاری جز ابلاغ نیست»، در حالی که پس از محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبری وجود ندارد. بنابراین، کسی که مدعی است خداوند او را در خواب از چیزهایی خبر داده است تا به اطلاع دیگران برساند، در واقع از مدعیان دروغین نبوت است؛ خصوصاً با توجه به اینکه بسیاری از پیامبران نیز ادعایی بیش از این نداشتند؛ چراکه سخنان خداوند را در خواب دریافت می‌کردند. از اینجا نادرستی سخن شما درباره‌ی شخص موصوف آشکار می‌شود که گفته‌اید: «او ادعا نمی‌کند که فرد خاصی باشد، فقط رؤیاهایش را به امر خدا و پیامبر منتشر می‌کند»؛ زیرا همین ادعا که رؤیاهایش را به امر خدا و پیامبر منتشر می‌کند، بزرگ‌ترین ادعاست!

۵. کسی که پیامبر نیست و خبر دادن از آینده را کار خود قرار داده است، «کاهن» محسوب می‌شود^۲ و کاهن در اسلام به منزله‌ی «طاغوت» است^۳. از این رو، ایمان آوردن به او در حکم ایمان آوردن به طاغوت و مراجعه به او در حکم مراجعه به طاغوت محسوب می‌شود که کفر است؛ چنانکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود: «مَنْ أَتَى كَاهِنًا فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»^۴؛ «هر کس به نزد کاهنی برود و چیزی که می‌گوید را باور کند، به چیزی که بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده، کافر شده است» و فرمود: «مَنْ أَتَى كَاهِنًا فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ فَقَدْ بَرَّيَ مِمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَمَنْ أَتَاهُ غَيْرَ مُصَدِّقٍ لَهُ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً»^۵؛ «هر کس به نزد کاهنی برود و چیزی که می‌گوید را باور کند، از چیزی که خداوند بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل کرده، بیزاری جسته است و هر کس به نزد او برود و چیزی که می‌گوید را باور نکند، تا چهل شب نماز او پذیرفته نمی‌شود» و فرمود: «مَنْ أَتَى كَاهِنًا فَسَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ حُجِبَتْ عَنْهُ التَّوْبَةُ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً، فَإِنْ صَدَّقَهُ بِمَا قَالَ فَقَدْ كَفَرَ»^۶؛ «هر کس به نزد کاهنی برود و از او درباره‌ی چیزی سؤال کند،

۱. المائدة / ۹۹

۲. بنگرید به: غریب الحديث لإبراهيم الحربي، ج ۲، ص ۵۹۴؛ معالم السنن للخطابي، ج ۳، ص ۱۰۵؛ بحر المذهب للرويانى، ج ۵، ص ۸۷؛ المجموع المغيـث في غريب القرآن والحديث لأبي موسى المديني، ج ۳، ص ۹۵؛ النهاية في غريب الحديث والأثر لابن الأثير، ج ۴، ص ۲۱۴؛ تهذيب الأسماء واللغات للنووي، ج ۴، ص ۱۲۱؛ لسان العرب لابن منظور، ج ۱۳، ص ۳۶۳.

۳. بنگرید به: غریب الحديث لإبراهيم الحربي، ج ۲، ص ۶۴۳؛ تفسير الطبري، ج ۵، ص ۴۱۸، ج ۸، ص ۴۶۳؛ تفسير ابن المنذر، ج ۲، ص ۷۴۸؛ تفسير ابن أبي حاتم، ج ۳، ص ۹۷۶؛ الإبانة في اللغة العربية للصحاري، ج ۴، ص ۷۴۰.

۴. مسند أبي داود الطيالسي، ج ۱، ص ۳۰۰؛ مسند ابن الجعد، ص ۲۸۹؛ مسند أحمد، ج ۱۵، ص ۳۳۱؛ السنة لأبي بكر بن الخلال، ج ۴، ص ۱۵۳؛ معجم ابن المقرئ، ص ۸۰.

۵. المعجم الأوسط للطبراني، ج ۶، ص ۳۷۸؛ الكامل لابن عدي، ج ۴، ص ۸۳؛ الترغيب والترهيب للمنذري، ج ۴، ص ۱۸.

۶. المعجم الكبير للطبراني، ج ۲۲، ص ۶۹.



تا چهل روز توبه‌ی او پذیرفته نمی‌شود، پس اگر سخنش را باور کند، کافر شده است» و روایت شده است: «سُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْكُفَّانِ، فَقَالَ: لَيْسُوا بِشَيْءٍ، فَقِيلَ لَهُ: إِنَّهُمْ يُخْبِرُونَ أحياناً بِأَشْيَاءٍ تَكُونُ حَقًّا! قَالَ: تِلْكَ كَلِمَةٌ حَقٌّ يَخْطِفُهَا الْجَنِيُّ فَيَقْذِفُهَا فِي أُذُنِ وَلِيِّهِ، فَيَزِيدُ فِيهَا مِائَةَ كَذْبَةٍ»؛ «از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی کاهنان پرسیده شد، پس فرمود: چیزی نیستند، گفته شد: آن‌ها گاهی ما را از چیزهایی خبر می‌دهند که به حقیقت می‌پیوندند! فرمود: آن سخن حقی است که جن می‌دزد و به گوش دوست خود می‌رساند و صد دروغ بر آن می‌افزاید».

حاصل آنکه شخص موصوف، در گمراهی آشکاری است و از این رو، بر مؤمنان واجب است که از او و امثال او حذر کنند.



بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب شاه‌محمد خراسانی
مجلس اجماع کبیر مشهد



۱. جامع معمر بن راشد، ج ۱۱، ص ۲۱۰؛ مسند أحمد، ج ۴۱، ص ۱۱۷؛ صحیح البخاری، ج ۸، ص ۴۷؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۷۵۰؛ التوحید لابن منده، ج ۱، ص ۱۴۸؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۸، ص ۲۳۸